

تحلیل ساخت سیاسی دولت در ایران؛ مقایسه دوره‌های صفویه، قاجار

جلیل دارا*^۱؛ هادی طلوعی^۲

(دریافت: ۱۳۹۹/۴/۳ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۱)

چکیده

دولت‌های صفویه و قاجار از لحاظ نوع ساخت سیاسی، نهاد حاکمیت و پایگاه اجتماعی دارای ویژگی‌های منحصربه‌فردی هستند. از دوران صفویه، ویژگی‌های دولت ایرانی مبین نهادها و سنت‌های سیاسی سنتی بود. این رویه تا دوره جدید و حکومت قاجار ادامه داشت. اما با ورود ایران در اواخر قاجار به عرصه‌های جهانی، دولت نیز متأثر از این ارتباط شد و با روی کار آمدن خاندان پهلوی، حکومت مطلقه شکل گرفت. در این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که دولت‌های صفویه و قاجار به لحاظ ساخت سیاسی و پایگاه اجتماعی چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارند؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که به لحاظ ساخت سیاسی، دولت در دوران صفویه از نوع پاتریمونیالیسم، اما در عصر قاجار از نوع پاتریمونیالیستی در حال گذار است. لذا هرچند هر دو دارای نهادهای حاکمیت مشابه بودند، اما تحول دولت در این دو دوره که ناشی از تغییرات بافت اجتماعی و طبقاتی در ایران است ساخت قبیله‌ای حکومت را به نوعی حکومت بوروکراتیک هدایت می‌کند.

واژه‌های کلیدی: دولت، پاتریمونیالیسم، دولت مطلقه، صفویه، قاجاریه.

^۱. دانشیار علوم سیاسی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

j.dara@modares.ac.ir
<https://orcid.org/0000-0003-3751-9212>

^۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

<https://orcid.org/0000-0003-0311-8365>

مقدمه

برخی معتقدند نخستین دولت ملی در ایران پس از اسلام، از زمان صفویه شکل گرفت؛ دولتی که بعد از چندین قرن آشفتگی سیاسی و حکومت ملوک‌الطوایفی در ایران به وجود آمد. تا پیش از سقوط خلافت عباسی در سال ۶۵۶ ق دولت ایرانی در قالب اجتماعی بزرگ‌تر به نام خلافت و امت اسلامی معنا می‌یافت (طباطبایی، ۱۳۸۰، ص. ۱۰۵)؛ هرچند برخی دیگر از محققان معتقدند طرح نظریه شکل‌گیری دولت ملی در دوران صفویه بیشتر از جانب نظریه‌پردازان غربی مطرح شد و با شواهد تاریخی تطبیق نمی‌کند (سالاری، ۱۳۹۳) با وجود این می‌توان گفت تا قبل از صفویه، خلیفه، رهبر کل امپراتوری اسلامی بود و بر سرزمین‌های فتح‌شده براساس نظام والی، حکومت می‌کرد. فرمانداران محلی، نمایندگان خلیفه و مستقیماً تابع وی بودند. از طرفی چون خلفا از سرزمین‌های فتح‌شده بسیار دور بودند و عموم فرمانداران نیز در منطقه خود بیش از خلیفه، قدرت داشتند، این واقعیت به زمامداران محلی ازمجمله در ایران فرصت می‌داد که بر زندگی اجتماعی سرزمینشان تسلط یابند (کمالی، ۱۳۸۱، ص. ۴۴).

درواقع سلسله‌های طاهریان، صفاریان، سامانیان، خوارزمشاهیان و غزنویان همگی تحت سلطه سیاسی و فکری خلیفه، در ایران به قدرت رسیدند و البته در مقاطعی مانند دوران آل بویه و سلجوقیان به استقلال قابل توجهی از دستگاه خلافت رسیدند (موثقی، ۱۳۸۵، ص. ۴۲). این وضعیت ساخت عشایری و قبایلی دولت پس از حاکمیت مغولان نیز با وجود فترتی که در حیات اجتماعی ایران پدید آمد استمرار یافت. به علت غلبه ساخت قبیله‌ای، عشایر، قدرتی بالقوه در برابر یکدیگر داشتند؛ به گونه‌ای که شاه هنگام توسعه‌طلبی یا هجوم خارجی، از نیروی نظامی آن‌ها برای دفاع از حکومت استفاده

تحلیل ساخت سیاسی دولت در ایران؛ مقایسه دوره‌های صفویه، قاجار ————— جلیل دارا و همکار
می‌کرد. از همین رو قدرت گرفتن هر قبیله از نظر نظامی و اتحاد با قبایل دیگر
می‌توانست ساخت سیاسی در کشور را متحول کند و موجب تحول سلسله پادشاهی
شود (افضلی، ۱۳۸۶، صص. ۱۱۹-۱۲۰).

در آن زمان، وضعیت جغرافیایی، کم‌آبی و پراکندگی واحدهای جمعیتی در مناطق
جدا از هم، نوع خاصی از شکل‌بندی اقتصادی - اجتماعی و ساخت قدرت در ایران را
پدید می‌آورد (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص. ۳۴۹). در یک جمع‌بندی می‌توان ویژگی‌های
دولت و جامعه در ایران قبل از دوران صفویه را که بستر اجتماعی تشکیل هر دولتی
به‌شمار می‌رفتند، چنین برشمرد: ۱. تشکیل دولت‌های محلی و ملوک‌الطوایفی تحت
سیطره خلیفه اسلامی؛ ۲. ساخت عشایری قدرت؛ ۳. آشفتگی اجتماعی و تحرک بالای
طبقه‌ای؛ ۴. نبود حقوق و تعهدات پایدار قانونی. در سطح جامعه نیز قشربندی طبقه‌ای
براساس تمایزاتی شکل می‌گرفت که عبارت‌اند از: ۱. تفاوت بین لشکر و رعایا؛ ۲.
تمایز بین ترکان و تاجیک‌ها و بعدها تمایز بین مغولان و بقیه مردم؛ ۳. فرق بین مردم
یک‌جانشین و نیمه‌اسکان‌یافته و صحرانشین؛ ۴. تمایز بین خاصه و عامه. خاصه از
خاندان حاکمه، امرای بزرگ و فرماندهان لشکر و مأموران عالی‌رتبه دیوان‌سالاری،
علمای مذهبی و خویشانان طبقه حاکم و افرادی که از طریق مقام و مناصب به آن‌ها
وابسته بودند، تشکیل می‌شد. همچنین مالکان، مقاطعه‌کاران مالیاتی، افسران نظامی و
بعضی از تجار در این طبقه جای می‌گرفتند. از طرفی مأموران دیوان‌سالاری، علمای
پایین‌رتبه، تجار خرده‌پا، کارگران و دهقانان متعلق به طبقه عامه بودند. بین طبقات
خاصه و عامه سیالیت مداومی وجود داشت و بعضی از افراد از طبقه عامه برکشیده و
در ردیف خاصه قرار می‌گرفتند و بالعکس این جریان نیز مشاهده می‌شد (لمبتون،
۱۳۷۲، ص. ۲۴۴).

پیشینه تحقیق

درمورد وضعیت سیاسی و اجتماعی دوره‌های موردبحث، مطالب متنوعی در قالب کتب، مقالات و پایان نامه‌ها نگاشته شده است. همچنین درمورد ویژگی‌های دولت در هر دوره نیز می‌توان به برخی از پژوهش‌ها اشاره کرد. کتب دولت و جامعه در ایران؛ /نقراض قاجار و استقرار پهلوی (کاتوزیان، ۱۳۹۲)، دولت مدرن در ایران (افضلی، ۱۳۸۶) و دین، جامعه و دولت در ایران (موثقی، ۱۳۸۵) ازجمله این پژوهش‌ها هستند. مقالاتی نیز به صورت جداگانه ساخت سیاسی دولت را در دو دوره صفویه و قاجار موردتحلیل قرار داده‌اند. مقالاتی چون «تبیین و تحلیل نقش طبقات اجتماعی در فرایند تمدنی دولت صفوی» (کشاورز و همکاران، ۱۳۹۶)، «منابع قدرت اجتماعی، ساختار دولت و روابط خارجی قاجار» (حاجی یوسفی و محمدیان، ۱۳۹۷)، «مراحل تحول سه گاناه دولت در ایران دوران ناصرالدین شاه قاجار» (احمدزاده، ۱۳۹۶) در زمینه ساخت سیاسی دولت‌های صفویه و قاجار مطالبی را مطرح کرده‌اند که هیچ کدام جنبه مقایسه ندارد. در یک مطالعه مقایسه‌ای «بررسی تطبیقی روش‌شناسی فقها در مواجهه با مسئله گسست دولت و ملت در ایران، در دوره‌های صفویه، قاجار و معاصر» (آزادی و ابراهیمی‌پور، ۱۳۹۸) نیز به ویژگی‌های ساخت سیاسی این دو دولت پرداخته نشده است. اما در این پژوهش به‌طور خاص ساخت سیاسی این دو دوره مورد مقایسه قرار می‌گیرد.

مفاهیم پژوهش

دولت

دولت^۱ از نظر لغوی به معنای ثروت یا سلطنت است. از نظر مفهومی، ساخت قدرتی است که در سرزمین معین (کشور) بر مردمان خاصی (ملت) تسلط پایدار دارد. از نظر داخلی حافظ نظم به‌شمار می‌آید و از نظر خارجی پاسدار تمامیت سرزمینی و منافع

تحلیل ساخت سیاسی دولت در ایران؛ مقایسه دوره‌های صفویه، قاجار ————— جلیل دارا و همکار

ملت است. این ساخت قدرت به صورت نهادها و سازمان‌های اداری، سیاسی، قضائی و نظامی فعلیت می‌یابد (آشوری، ۱۳۶۶، صص. ۱۶۲-۱۶۳). البته باید توجه کرد که معنای واژه «حکومت»^۲ متفاوت با «دولت» است. تشکیلات دولت معمولاً از سه بخش مجریه، مقننه و قضائیه تشکیل می‌شود. اما حکومت کنترل و مدیریت امور عمومی واحدهای سیاسی را برعهده دارد و برخلاف دولت دائماً در حال تغییر است. به طور کلی دولت شامل ساختار سیاسی و مفهومی کل کشور است؛ درحالی که حکومت ساختار سیاسی فیزیکی کشور است (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۸۳، ص. ۲۷۵). در این تحقیق مفهوم دولت به معنای نظام سیاسی به کار می‌رود و حکومت بخشی از ساختار نهادی آن محسوب می‌شود.

ساخت سیاسی

ساخت عبارت است از مناسباتی که دائمی و ثابت بوده و وضع کلی آن‌ها یک مجموعه را نمایان می‌کند. ساخت سیاسی^۳ مناسبات میان عوامل متشکله یک سازمان سیاسی را به نمایش می‌گذارد (جاسمی، ۱۳۵۸، صص. ۱۸۲-۱۸۳). بر این اساس مجموعه نهادها و مراکزی که قدرت سیاسی را در دست دارند و یک کلیت واحد را به وجود می‌آورند، ساختار سیاسی نامیده می‌شوند. این کلیت متأثر از تمامی ویژگی‌هایی است که به جامعه هویت می‌بخشند. قدرت سیاسی و شیوه استقرار آن، نهادها و سازمان‌های موجود در جامعه و زیرمجموعه‌های نظام سیاسی، عناصری هستند که می‌توانند نوع ساختار سیاسی را مشخص کنند (نقیب‌زاده، ۱۳۸۷، ص. ۱۶۹).

ملاحظات نظری پژوهش

نظریه پاتریمونیال

نظام‌های پاتریمونیال^۴ نه براساس قانون اداره می‌شوند و نه بر پایه ایدئولوژی. از وجوه مشخصه این نظام‌ها امکانات نامحدود حاکم در اعمال قدرت است؛ بدون آنکه به

مجموعه‌ای از ارزش‌ها یا ایدئولوژی خاص و البته قانون پای‌بند باشد (شهابی و لینز، ۱۳۸۰، ص. ۸). نظام سلطانی در گونه‌شناسی سیاسی وبری یکی از انواع نظام‌های پاتریمونیال است. به بیان وبر، پاتریمونیالیسم معمولاً زمانی پدید می‌آید که حاکم سنتی، دستگاهی اداری و نیرویی نظامی ایجاد می‌کند که صرفاً ابزار شخصی اوست. در کشوری که سلطه، بر مبنای آموزه‌های سنتی است و از طریق اراده شخصی فرمانروا اعمال شود، آن را اقتدار پاتریمونیالی می‌نامیم. از طرفی اگر اساساً سلطه بر پایه اقتدار و اراده شخصی جریان می‌یابد، سلطانی نامیده می‌شود. درحالی که در اقتدار عقلانی، سلطه به یک مرجع خاص اعطا نمی‌شود، بلکه مجموعه‌ای یکنواخت از اصول در قالب نظام بوروکراتیک سامان می‌یابد که ویژگی دولت‌های مدرن است. در نظام‌های سلطانی، قدرت و حق حاکمیت عمدتاً از طریق وراثت خانوادگی انتقال می‌یابد. این نوع اقتدار توسط سنت‌ها تقدس می‌شود و ایجاد قوانین جدید مخالف با هنجارهای سنتی را غیرممکن می‌سازد. در این ساختار سیاسی مأموران دولتی کاملاً به اراده حاکم وابسته هستند و گویا خدمتگزاران شخصی او به حساب می‌آیند (Weber, 1958, pp. 3-4).

در نظام سلطانی انگیزه وفاداری به فرمانروا را آمیزه‌ای از ترس و پاداش‌هایی که به هم‌دستانش می‌بخشد تشکیل می‌دهد. هنجارهای الزام‌آور دائماً با تصمیمات شخصی و خودسرانه حاکم که مجبور به توجیه ایدئولوژیک آن‌هاست، تضعیف می‌شوند. کارکنان اداری چنین حکومتی عمدتاً از افرادی قوام می‌یابد که فرمانروا مستقیماً انتخاب کرده است. در میان آن‌ها اغلب، اعضای خانواده حاکم، دوستان، همدستان یا افرادی که مستقیماً در استفاده از خشونت برای حفظ نظام دخالت دارند، حضور دارند. به‌طور کلی ویژگی‌های نظام سلطانی عبارت‌اند از: ۱. تیره شدن مرز میان نظام و دولت: فرمانروا و هم‌دستانش مستقیماً در ساختارهای حکومت دخالت می‌کنند و به هنجارهای

تحلیل ساخت سیاسی دولت در ایران؛ مقایسه دوره‌های صفویه، قاجار ————— جلیل دارا و همکار
درونی، استانداردهای حرفه‌ای و رسوم اجتماعی - سیاسی بی‌اعتنا هستند؛ ۲.
شخص‌گرایی: رهبران این نظام‌ها آرزومند فره‌مندی هستند و خود را با آرایه‌های
رهبری کاریزماتیک احاطه می‌کنند؛ ۳. ریاکاری قانونی: فرمانروایان پاتریمونیال که
مدعی اقتدار سنتی هستند، بر نظام سیاسی مبتنی بر قواعدی که به‌لحاظ تاریخی
به‌صورت قانون درآمده‌اند به‌ویژه قوانین عرفی تکیه می‌کنند و عموماً قوانین مدون را
نادیده می‌گیرند؛ ۴. پایگاه اجتماعی محدود: غالباً حاکمان نظام سلطانی نخستین‌بار با
حمایت گروه‌های کاملاً مشخص به قدرت می‌رسند؛ ۵. سرمایه‌داری تحریف‌شده: در
بلندمدت شخص‌گرایی و فساد نظام سیاسی، در توسعه اقتصادی تأثیر منفی می‌گذارد
(شهابی و لیتنز، ۱۳۸۰، ص. ۲۱، ۵۳).

نظریه دولت مطلقه

دولت مطلقه^۵، هم در نظر و هم در عمل در اروپا و به‌ویژه در فرانسه تا پیش از پایان
قرن ۱۶ میلادی توسعه یافت. این مدل از دولت، مفاهیم موردنیازش را از تئوری
حاکمیت و بحث ژان بدن^۶ درباره قدرت مطلقه گرفت. درواقع این دولت پس از افول
فئودالیسم در اروپا پیدا شد. در دولت مطلقه پادشاهان خود را حافظ نظم و قانون و
عدالت می‌دانستند و قدرت سیاسی را متمرکز ساختند. در نظریه دولت مطلقه همچنان
که خداوند یگانه بر جهان حاکم بود، دولت‌های این جهانی نیز ملک حکام واحدی
به‌شمار می‌رفتند که همچون پدر بر خانواده حکومت می‌کردند. پادشاه این دولت در
سیاست‌گذاری، نیازمند رضایت و موافقت اتباعش نبود. اقتدار شهریار در دولت مطلقه،
نامحدود و مطلق بوده و آزاد از نظارت هر مقام بالاتر یا نمایندگان مردم است. عواملی
که فرایند تمرکز قدرت در طی این قرن را پرشتاب کردند، عبارت‌اند از: ۱. جنگ و
بی‌نظمی: جنگ‌های داخلی موجب گسترش علاقه به حکومت مرکزی نیرومند و

تضعیف قدرت‌های محلی شد؛ ۲. اما جنگ احتیاج به هزینه داشت و تأمین این هزینه نیازمند مالیات‌بندی و گردآوری منظم درآمدها بود. این روند که نیازمند برقراری نظم و قانون بود به ایجاد لشکریان منضبط منجر شد. جنگ با ایجاد این پیامدهای متعارض موجب پیدایش ارتش‌های دائمی شد که برخلاف دوره فئودالی، دیگر مبتنی بر قدرت اربابان نبودند، بلکه به شاهان اتکا داشتند. با افزایش قدرت حکومت مرکزی در اخذ مالیات‌ها، به‌نحوی خودسرانه نقش مجالس محلی و مرکزی نقصان می‌یافت. هواداران دولت مطلقه استدلال می‌کردند که نه پارلمان و نه هیچ مرجع دیگری حق تصویب قانون یا نظارت بر شاهان را ندارند (بشیریه، ۱۳۹۴، صص. ۷۷-۸۳).

روش تحقیق

در این پژوهش از روش تحقیق تحلیل تاریخی تطبیقی استفاده شده است. در این روش، جامعه‌شناس با بررسی تاریخ وقایع و پدیده‌ها از تحلیل کیفی استفاده می‌کند که موضوع آن، وقایع خاص تاریخی است. این قایع به‌صورت کیفی سنجش‌پذیرند (ساعی، ۱۳۹۵، ص. ۲۰۴). در این پژوهش با مطالعه تاریخی دو دوره صفویه و قاجار و با استفاده از نظریات به مقایسه این دو دوره می‌پردازیم.

صفویان؛ رسمیت تشیع و ایجاد دولت - ملت یکپارچه

شاه اسماعیل پایگاه‌های اجتماعی - فرهنگی اهل سنت را در ایران به‌تدریج محدود کرد. وی سلسله‌مراتب حاکم را مبتنی بر یک دیوان‌سالاری تکامل‌یافته استوار ساخت که توسط وزیر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مقامات عالی دولت اداره می‌شد. شاه صفوی که از حمایت علمای شیعی برخوردار شده و در نتیجه، مشروعیت الهی قابل‌ملاحظه‌ای کسب کرده بود، بر این سلسله‌مراتب حاکم، قدرت مطلق داشت. دولت مستقل و

تحلیل ساخت سیاسی دولت در ایران؛ مقایسه دوره‌های صفویه، قاجار ————— جلیل دارا و همکار

قدرتمند شیعی نخستین شرط لازم برای ایجاد جامعه ایرانی نیرومند در مجاورت امپراتوری توسعه‌طلب عثمانی بود. در گذشته یکی از مهم‌ترین بحران‌هایی که هویت ایرانی را تهدید می‌کرد فقدان یک دولت مستقل و قدرتمند مرکزی بود. پیش از صفویان، ایران توسط سلسله‌های نیرومندی مثل بوییان اداره شده بود. اما آنان نمی‌توانستند صاحب مشروعیت دینی و سیاسی شوند، چراکه مذهبی جدا از مذهب سایر کشورهای سنی که در پیرامون ایران بود، نداشتند (کمالی، ۱۳۸۱، صص. ۴۹-۵۰). البته احمد کسروی و میشل مزاول ادعای سیاست و شیعی‌گری صفویان را اعایی بر ساخته و تنها یک راهبرد سیاسی برای فراهم شدن زمینه‌های حاکمیت خود تلقی کرده‌اند (متولی حقیقی، ۱۳۸۷، ص. ۱۷۴).

در هر صورت صفویان با اعلام مذهب شیعه در قالب دین دولتی توانستند باور شیعی را به چارچوبی ایدئولوژیک برای طرح سیاسی هویت ایرانی تبدیل کنند. همچنین نخستین شاه صفوی، اسماعیل اول، طرح ایجاد هویت ایرانی را آغاز کرد. شیعی کردن جامعه و دولت توسط صفویان با اعلام شاهان صفوی به عنوان نایبان امام و شراکت قدرت سیاسی با علمای شیعی صورت گرفت. تحت حکومت صفوی، نفوذ شیعیان و قدرت اجتماعی علمای شیعه در جامعه به حد بسیاری افزایش یافت و آنان به تدریج به قدرتی حاکم در جامعه تبدیل شدند. لذا اگرچه تأسیس نهاد «صدر» تلاشی از جانب شاه برای اعمال کنترل بر علما بود، اما این دستگاه به نحوی متناقض‌نما به ایجاد مؤسساتی کمک کرد که سلطه علما را بر جامعه تحکیم کند. حتی قدرتمندترین حاکمان مجبور بودند با علما با احترام برخورد کنند و نمی‌توانستند به عقاید آنان بی‌اعتنا باشند. چنانکه شیخ الاسلام حسین بن عبدالعلی کرکی نفوذ بسیاری بر شاه طهماسب داشت و شاه سلطان حسین آخرین شاه صفوی تحت سلطه علامه محمدباقر

مجلسی بود (کمالی، ۱۳۸۱، ص. ۵۱). با این حال سازگاری نهاد مذهب به‌ویژه با نهاد حکومت و سلطنت صفوی همواره بر مسیر ثابتی نبود، بلکه این سازگاری با مخالفت‌های آشکار و نهانی در جامعه دینی به‌ویژه از جانب برخی علمای طراز اول شیعه و گاه با بدبینی دستگاه حکومت همراه بود (گودرزی، ۱۳۸۷، ص. ۶۰).

اما در زمان شاه عباس حکومت از مبنای دینی به‌سمت سلطنت این جهانی و غیردینی گرایش یافت؛ هرچند وی در اقتدار سلطنتی خویش ادعای دینی داشت و این امر بر دهقانان، قبایل و بسیاری از مردم شهرنشین تأثیر می‌گذاشت (فوران، ۱۳۷۷، ص. ۷۹). جدایی هر چه بیشتر از شکل دین‌سالارانه حکومت در زمان عباس اول، در تنزل اهمیت مقام صدر انعکاس یافت. نفوذ صدر که یک مقام سیاسی بود در سراسر امپراتوری صفویه تنزل یافت. اما از طرفی قدرت مجتهدان رو به افزایش نهاد. با تبدیل شدن مجتهدان به قدرتمندترین اعضای طبقات روحانی، مقام شخصی شاه به‌خطر می‌افتاد، زیرا شاهان صفوی با ادعای نیابت امامان شیعه حق واقعی مجتهدان را غصب می‌کردند. لذا تنها در زمان فرمانروای قدرتمندی چون شاه عباس، مجتهدین حد خود را می‌شناختند، چراکه وی مقام صدارت را به دو شاخه خاصه و ممالک تقسیم کرد. تقسیم مقام به معنای اشتراک و تضعیف قدرت بود و نقش سیاسی صدر بر عهده شیخ الاسلام نهاده شد. البته در دوره شاهان بعد از وی طبقات روحانی به‌طور روزافزونی خود را از کنترل سیاسی که بر آنان اعمال می‌شد، آزاد کردند (سیوری، ۱۳۹۳، ص. ۹۱، ۲۳۳). آنان در اواخر حکومت صفویه شاه را کنترل می‌کردند. دین در ابتدای حکومت صفویه در خدمت قدرت بود و البته عاملی تعیین‌کننده به‌شمار می‌رفت (فوران، ۱۳۷۷، ص. ۸۳).

چنانکه از محتوای رساله‌های آن زمان برمی‌آید، علما اصل دفاع از صفویان و کوشش برای الزام به اطاعت از آنان را به‌عنوان امرای شیعه ترویج می‌کردند. لذا با اینکه

تحلیل ساخت سیاسی دولت در ایران؛ مقایسه دوره‌های صفویه، قاجار ————— جلیل دارا و همکار

توجیه سلطنت با اصول شیعی امامت سازگار نبود، این علما با استناد به احادیث و منابع دینی در این مسیر گام برمی‌داشتند (ناجی، ۱۳۸۷، صص. ۱۷-۱۸). به‌طور کلی علمای شیعه درمور ارتباط با دولت صفوی به دو گروه تقسیم می‌شدند: علمایی چون مقدس اردبیلی و شهید ثانی با غاصب دانستن حاکمان غیرمعصوم در عصر غیبت و حرام بودن پرداخت. خراج به حکومت غاصب و نپذیرفتن وجوب نماز جمعه، نسبت به دولت، موضع مخالف داشتند. درمقابل، محقق کرکی به‌عنوان مجتهد حامی همکاری با دولت، از عراق به ایران مهاجرت و با شاه اسماعیل دیدار کرد. بدین ترتیب برخی از علمای شیعی نفوذ و دانش فقهی خویش را در اختیار دعاوی سیاسی و مذهبی حکومت صفوی قرار دادند. محقق کرکی معتقد بود که در عصر غیبت فقیه جامع‌الشرایط، نایب امام زمان در برخی از امور بوده و انقیاد از حکمش واجب است. او شاه طهماسب را به‌عنوان نماینده خویش در این امور معرفی می‌کرد (نوروزی و رضائی، ۱۳۹۴، صص. ۱۲۵-۱۲۷).

ساختار سیاسی و قشربندی اجتماعی

دولت صفوی از سه نهاد کلیدی تشکیل می‌شد: ۱. دستگاه دیوانی مرکزی؛ ۲. حکومت ایالت‌ها و ۳. ارتش. شاه، وزیر اعظم، سرداران سپاه، خزانه‌دار دولت و صدر در بالاترین هرم قدرت قرار گرفته و بعد از آن، پزشکان، منجمان، خواجگان، هنرمندان، پیشه‌وران، منشیان و محاسبان درباری قرار داشتند. سه گروه مختلف قومی نیز تشکیلات دولتی را سازمان می‌دادند: ۱. فارس‌ها که صاحب مناصب دولتی و دیوانی بودند؛ ۲. قبایل ترکمان که فرماندهی سپاه و فرمانداری ایالت‌ها را بر عهده آن‌ها بود؛ و ۳. نخبگان گرجی، ارامنه و چرکس‌ها. حکام ولایات، پول و تولیدات محلی برای شاه ارسال می‌کردند و در مواقع جنگ، نیروی مشخصی را برای پیوستن به ارتش اعزام می‌کردند.

نهاد ارتش نیز از نخبگان قدیمی عشایر و ایلات ولایات به همراه نیروهای جدید شاه عباس تشکیل می‌شد. از سال ۹۷۷ ق اصلاحاتی مانند آموزش نظامی دهقانان، عشایر ایرانی و سربازان و مجهز کردن آنان به سلاح گرم به عمل آمد.

در بخش ایللیاتی که تأثیر سیاسی و اجتماعی مهمی بر کشور داشت، سران قبایل، مقامات ارشد نظامی و والیگری را تصاحب می‌کردند و اندکی پایین‌تر، افراد مسلح قرار می‌گرفتند. درمورد قشر دهقانی - روستایی، درآمد زمین‌های متعلق به سلطنتی و املاک دولتی به خزانه می‌رفت. موقوفات نیز سهم مزدبگیران، حاکمان شرع، روحانیون طراز اول و سادات بود. تمامی این زمین‌ها به دهقانان اجاره داده می‌شد و بخش اعظم درآمد آن متعلق به شاه یا مالک زمین بود. لذا درآمدهای دولت عمدتاً از راه مالیات تأمین می‌شد. دهقانان منبع عمده درآمد دولت و پشتوانه مالی ارتش، بخشی از روحانیون و زمین‌داران خصوصی به حساب می‌آمدند. شهرنشینان عمدتاً در بخش اصناف فعالیت می‌کردند و تا حدودی استقلال داشتند. مهم‌ترین کالای تولیدی آن‌ها پارچه بود و بافندگی محور صنایع ایران آن دوران بود.

طی قرون نهم و دهم هجری رهبران نظامی ایلات دو بار به منظور کسب موقعیت برتر در جامعه با یکدیگر جنگیدند. اما بعد از سال ۹۹۸ ق شاه عباس ضمن توزیع دوباره قدرت و موازنه این گروه‌ها کوشید با انتصاب اسیران جنگی گرجی و قفقازی به مقام‌های بالای نظامی و کشوری از قدرت سران ایلات بکاهد. وی با ایجاد ارتش دائمی تحت نظر و فرماندهی خویش، قدرت شدیدی بر حکام ایالات اعمال کرد و وضعیتی را به وجود آورد تا هیچ والی از حکومت مرکزی نافرمانی نکند (فوران، ۱۳۷۷، صص ۴۶-۶۳). در دوران شاه عباس اقدامات چشمگیری برای تشویق تجار خارجی به منظور قطع وابستگی‌شان از بازار و بهره‌گیری از خدمات تجار ارمنی در جست‌وجوی

تحلیل ساخت سیاسی دولت در ایران؛ مقایسه دوره‌های صفویه، قاجار ————— جلیل دارا و همکار

بازارهای جدید و توسعه راه‌ها به وجود آمد. دستاوردهای اقتصادی شاه عباس موجب پایایی صفویان در ادامه حکومتشان می‌شد. او تجارت را با اتکا به شخص خود به انحصار دولت درآورد. این انحصار در زمان شاه صفی تا اندازه زیادی سست شد و در زمان جانشینان او عملاً از دست رفت (آژند، ۱۳۸۰، ص. ۲۳۰).

بعد از شاه عباس جریان تبدیل زمین‌های ایالات به املاک خاصه به طور گسترده اجرا شد و تقریباً تمامی کشور تحت اداره مستقیم مقام سلطنت درآمد. جز در مواقع جنگ که حکام نظامی ویژه‌ای در نواحی مهم مرزی و استراتژیک منصوب می‌شدند، بقیه حاکمان از مرکز تعیین می‌شد. این سیاست به معنای تضعیف و چه بسا نابودی همان قبایل قزلباشی بود که در اوایل دوره صفویه خوش درخشیده بودند. از طرفی در زمان شاه سلیمان مقام سلطنت به عنوان رئیس کل ساختار اداری کشور و فرمانروای مطلق امور دینی و دنیوی تضعیف شد. در مقابل، علمای دربار روز به روز قدرت بیشتری پیدا می‌کردند و اقدام به تضعیف بدعت‌گزاران مذهبی همچون صوفیان کردند؛ در حالی که در روزهای قبل از تأسیس دولت صفوی، تشکیلات منسجم صوفیان دعوی صفویه را انتشار داده و برای پیش‌برد انقلاب سیاسی - مذهبی آن کوشیده بودند. به طور کلی در دوران صفویه صوفی‌گری معنای جدید و مهم وفاداری به شاه را یافت. نیروی سیاسی دیگری که در این برهه از صاحبان قدرت محسوب می‌شد، حرمسرایان و شخص وزیر بود. محدود کردن شاهزادگان خاندان سلطنتی در حرمسرا، قدرت سیاسی فوق‌العاده‌ای به حرم داده بود. به نوعی که وزیران با نادیده گرفتن حرمسرا، خود را در معرض خطر قرار می‌دادند. لذا شگفت‌آور نبود که شاهزادگان در چنین نظام پرورشی افرادی ضعیف‌الاراده بار بیایند که به آسانی تحت نفوذ حرم و وزرا قرار گیرند (سیوری، ۱۳۹۳، صص. ۲۲۹-۲۴۰).

عصر قاجار؛ گذار از دولت سنتی به دولت مدرن

دولت‌های خاندان افشاریه و زندیه نتوانستند در سازمان‌های کشوری و حکومتی به ترتیبات نوینی نائل آیند. امور دیوانی تقریباً همان‌هایی بود که از روزگار صفویان قوام یافت. ویژگی‌های امور اداری این دوران به‌طور خلاصه عبارت‌اند از: ۱. اقتدار عظیم فرمانروایان مرکزی و تمرکز امور حکومتی در دربار؛ ۲. مطلق‌گرایی حکام مرکزی؛ ۳. وجود قدرت‌های محلی (امرا و خان‌ها و بیگ‌ها) پس از نادرشاه تا پایان دوره زندیه؛ ۴. غیرمذهبی بودن نسبی سازمان حکومتی بر خلاف دوره صفویه؛ ۵. اتکا به عناصر نظامی و سپردن نقشی مهم در اداره کشور به ارتش؛ ۶. قبیله‌گرایی و قدرت‌یابی سرداران و برجستگان نظام ایلیاتی (شعبانی، ۱۳۸۷، صص. ۲۳۳-۲۳۴).

اما با استقرار سلسله قاجار، قدرت حکومت مرکزی نسبت به دوره‌های قبل گسترش یافت و در پرتو ثبات سیاسی و حمایت دول خارجی از این خاندان، رونق اقتصادی نیز تاحدی حاصل شد. ازطرفی از زمان فروپاشی دولت صفوی تا عصر قاجار ساختار ایلیاتی در جامعه همچنان مسلط بود و شیوه تولید عشایری در مقیاس گسترده، نوع تولید و الگوهای تجارت را تحت‌تأثیر قرار می‌داد. با این حال اصلاحات حکومت مرکزی در زمینه ایجاد بوروکراسی، تأسیس امکانات مخابراتی بین‌شهری و رشد سرمایه‌گذاری خارجی و شهرنشینی به‌ویژه در تهران زمینه‌های لازم را برای تغییر دولت و تحول در ساخت اجتماعی فراهم می‌ساخت. این تحولات علی‌رغم آنکه عمق نداشت، نسبت به دوران قبل متفاوت‌تر بود. نفوذ اقتصادی غرب باعث رونق کشت محصولات تجاری شد. در اواخر دوره ناصرالدین شاه، گسترش بازارهای فروش مواد خام مانند تریاک، پنبه و ابریشم باعث تشویق تجار بزرگ ایرانی به صدور این گونه محصولات شد. از طرف دیگر، واردات مصنوعات خارجی به‌ویژه منسوجات بریتانیا و

تحلیل ساخت سیاسی دولت در ایران؛ مقایسه دوره‌های صفویه، قاجار ————— جلیل دارا و همکار

گسترش بازارهای مصرفی اروپا در ایران، تجار را به صدور مواد خام و صرف درآمد آن برای واردات این گونه کالاها تشویق کرد. افزایش این مبادلات بی‌تردید بر رشد طبقاتی در ایران تأثیر چشمگیری می‌گذاشت (افضلی، ۱۳۸۶، صص. ۱۳۵-۱۳۹).

حیات اقتصادی

در فاصله سال‌های ۱۲۱۵ تا ۱۳۱۵ ق حجم تجارت خارجی ایران تا حد دوازده برابر افزایش یافت. به دلیل اینکه صنایع دستی محلی توان رقابت با تولیدات ماشینی اروپایی نداشت این رشد با توسعه‌ای که در کشورهای صنعتی آن زمان رخ داد هم‌سانی نداشت. افزایش بالای کالاهای مستعمراتی همچون چای و شکر، از تغییرات دیگر این دوره بود. صادرات چشمگیری در صدور محصولات نقدی مانند تریاک، پنبه، برنج و قالی به دلیل تقاضای جهانی صورت گرفت. اما ابریشم که سابقاً کالای اصلی صادراتی به‌شمار می‌رفت، در دهه ۱۲۶۰ ق موقعیت خود را از دست داد. تحول اصلی بازرگانی ایران در نیمه دوم قرن دوازدهم، افزایش گستره تجارت با انگلیس از طریق ترکیه و خلیج فارس و نیز هند بود. در واقع در دهه ۱۲۶۰ ق بریتانیا نیمی از تجارت ایران را تصاحب کرد. پس از سال ۱۲۹۸ ق سهم روسیه نیز در این مورد افزایش یافت. به واسطه عهدنامه گلستان در ۱۲۲۸ ق و سپس ترکمانچای در ۱۳۱۸ ق یک غرامت بیست میلیون تومانی و امتیازات فوق‌العاده منطقه‌ای نصیب اتباع روسیه در تجارت خارجی ایران شد. کشورهایمانند انگلیس، فرانسه، آمریکا و هلند درصدد به‌دست آوردن امتیازات مشابهی شدند. در دهه ۱۳۱۰ ق با تغییر قوانین گمرکی، تجارت روسیه با ایران به سرعت گسترش یافت. جواز صادرات، بهبود حمل‌ونقل در دریای خزر، ماوراء قفقاز و استان‌های قفقازی، خدمات مالی بانک استقراضی و افزایش اتباع روسیه که در ایران به تجارت و سایر فعالیت‌ها مشغول بودند، باعث رشد شتاب‌آلود صنایع روسیه شد.

پس از استقرار نیروی دریایی انگلیس در خلیج فارس تجارت از طریق بوشهر هم گسترش یافت. در شمال نیز کشتیرانی بین بنادر ایران و روسیه جریان داشت. علاوه بر راه تجاری کرمانشاه، تجارت راه خشکی روسیه با آذربایجان فزونی گرفت. تا زمان جنگ جهانی اول در پرتو توسعه تولیدات نفتی، بهبود بنادر خلیج و ایجاد راه‌ها و خطوط راه‌آهن قسمت اعظم تجارت ایران به خلیج فارس منتقل شد (عیسوی، ۱۳۸۸، صص. ۱۰۷-۱۱۳).

این واقعیت‌های اقتصادی و رشد تجارت خارجی همراه با کاهش صادرات سنتی موجب افول قدرت اقتصادی ایران و افزایش نفوذ و دخالت بیگانگان در امور داخلی شد. دو کشور انگلستان و روسیه که از قرن هجدهم میلادی به بعد بازار ایران را به دست گرفتند پس از مدتی به سیطره بر دربار پادشاهی ایران و نفوذ در ارکان مملکتی میل کردند. تأثیر حضور اقتصادی و نفوذ سیاسی این قدرت‌ها، وابستگی بی‌سابقه به قدرت‌های استعماری اروپایی را به همراه داشت. ضعف سیاسی و نظامی ایران در برابر این کشورها و ازدست رفتن بخش‌هایی از خاک کشورمان نتیجه وضعیت جدید بود.

طبقات اجتماعی در حال دگرگونی

اقشار مسلط در دوره قاجار شامل شاهزادگان، رؤسای ایلات، حکام ایالات و فرماندهان نظامی، رده‌های بالای دیوان‌سالاری و علما بودند. این گروه‌ها اغلب از طریق منافع مشترک، شراکت در کار و ازدواج با هم پیوند داشتند و هیچ مالیاتی نمی‌پرداختند و اغلب، تیول، مواجب، مقرری و کمک‌های مالی از دولت دریافت می‌کردند. تا اواخر قرن سیزدهم هجری چنین مبالغی بخش اعظم مخارج دولت را تشکیل می‌داد. شاهزادگان، اخلاف هفتصد تن از فرزندان و نوادگان فتحعلی شاه بودند. موقعیت این شاهزادگان به ماهیت روابط آنان با شاه وابسته بود و پس از شاه در مرتبه دوم قدرت

تحلیل ساخت سیاسی دولت در ایران؛ مقایسه دوره‌های صفویه، قاجار ————— جلیل دارا و همکار

قرار می‌گرفتند. قدرت و اعتبار اجتماعی رؤسای ایلات عمده در قیاس با شاهزادگان کم‌تر بود. آن‌ها اشرافیت نظامی سنتی ایران را تشکیل می‌دادند. پس از دوره صفویه ایلات مستقر در نواحی مرزی که وظایف دفاعی را برعهده داشتند، مقرر قدرت سنتی خویش را گسترش بخشیدند و به تدریج خودمختاری آن‌ها افزایش یافت. شاهان قاجار می‌کوشیدند تا رؤسای ایلات را مطیع حاکمان منصوب خویش کنند. اما در اغلب موارد اطاعت اینان از حاکمان ایالات، ظاهری بود. یکی از راهبردهای قاجار برای مهار رهبران ایلی ایجاد خصومت و تعارض میان آنان و درون هر یکی از عشیره‌ها بود. تحریک خان‌های عشایری ضد یکدیگر و رویارویی جماعت‌های عشایر بدین سبب دنبال می‌شد تا در میان آنان هیچ نیروی قدرتمندی پا نگیرد. این رفتار حکومتی به نحوی آشکار بود که حتی جهانگردان و رهگذران بیگانه هم آن را گزارش می‌کردند. حکامی که از تهران مأمور ولایات بودند، رسمشان چنین بود که در میان قبایل و طوایف تفرقه بیندازند و از این سیاست دو هدف را دنبال می‌کردند: ۱. به دولت مرکزی چنین وانمود می‌کردند که طایفه شورشی را تابع خویش سازند و بنابراین هزینه‌های هنگفتی طلب می‌کردند؛ ۲. با قبیله‌ای که بر قبایل دیگر پیروز می‌شد، همراه و شریک می‌شدند (وهوسه، ۱۳۹۴، ص. ۹۹).

نیروهای نظامی قاجار ترکیبی از دسته‌های بزرگ سواره‌نظام غیرمنظم به رهبری سران ایلات، پیاده نظام و یک ارتش دائمی کوچک بود که به دست عباس میرزا و با کمک افسران اروپایی تشکیل شد. تشکیل بریگاد قزاق به فرماندهی افسران روسی در ۱۲۹۶ق برای اولین بار نیروی نظامی دائمی و جدید را در کشور به وجود آورد. دیوان‌سالاری دولتی از مستوفیان و منشیان که تعلیمات سنتی داشتند تشکیل می‌شد. دیوان‌سالاری قاجار تحت ریاست صدراعظم به تدریج در اواخر قرن ۱۳ هجری

گسترش یافت. در اوایل سده ۱۴ هجری مقامات مهم دیوان‌سالاری شامل ریاست وزرا، چهار وزیر عمده مالی، داخله، خارجه و جنگ، دیگر وزرای کم‌اهمیت تر دولت، حکام و وزرای ایالات، رؤسای دفاتر دربار و وزارتخانه‌ها می‌شدند. قدرت سیاسی و منزلت اجتماعی برای افراد این طبقات ابزار لازم را برای مالکیت و اداره زمین‌های بزرگ فراهم می‌کرد. همچنین فروش زمین‌های دولتی (خالصجات) و املاک اشراف حکومتگر به تجار بزرگ در نیمه دوم قرن ۱۳ق، گروه جدیدی از تاجر - زمین‌داران را به این طبقات افزود. هر چه املاک زمین‌دار وسیع‌تر بود، قدرت او نیز بیشتر می‌شد.

روحانیون در این عصر، واسطه بین اقشار مسلط و توده‌های مردم بودند و در حفظ نظم اجتماعی نیروی مهمی محسوب می‌شدند. در رأس سلسله‌مراتب مذهبی، مجتهدان قرار داشتند که دانشمندترین آن‌ها مجتهد اعلم بود؛ علمایی همچون ملا قربانعلی زنجان‌ی و سید عبدالحسین لاری که ارتباط بسیار محدودی با دربار داشته و بالعکس شیخ فضل‌الله نوری و سید عبدالله بهبهانی که با حکام وقت رابطه‌ای نزدیک داشتند، در این گروه جای می‌گیرند (ابوالحسنی، ۱۳۷۴، صص. ۲۶۲-۲۶۳). در مرتبه بعد، روحانیونی که شاه به مناصبی همچون امامت جمعه در مساجد جامع می‌گماشت، از همان منزلت مجتهدان برخوردار بودند، ولی از استقلال سیاسی و اقبال عمومی آن‌ها محروم می‌شدند. برخی از علمای برجسته، به دربار سلطنتی وابسته بودند. گروهی با زمین‌داران ایالات همکاری نزدیک داشتند یا اینکه خود صاحب زمین بودند و بعضی دیگر به طبقه متوسط شهری برای گذران زندگی متکی بودند. طبقه متوسط شامل تجار، زمین‌داران کوچک، اعیان محلی و در یک سطح پایین‌تر از آن، صنعتگران و پیشه‌وران می‌شد. در رأس سلسله‌مراتب اجتماعی بازار، تجار عمده‌فروش بودند که به همراه اصناف و علما، ارزش‌ها و شیوه زندگی سنتی شهری را حفظ می‌کردند. بازاریون

تحلیل ساخت سیاسی دولت در ایران؛ مقایسه دوره‌های صفویه، قاجار ————— جلیل دارا و همکار
به‌همراه علما نقش بزرگی در شورش‌های شهری این قرن به‌ویژه انقلاب مشروطه ایفا کردند.

طبقه دیگر، روشنفکران نوپا بودند. این گروه غالباً از دیوان‌سالاران بودند و علاوه بر آن شامل نویسندگان، مورخان، جغرافیدانان، نسب‌شناسان، منجمان، اطبا و شعرا می‌شدند که گذران زندگی‌شان به حفظ ارتباط نزدیک آن‌ها با صاحب‌منصبان دولتی بستگی داشت. با ورود عقاید و ارزش‌های فرهنگی غربی در اواخر قرن ۱۹م، اعزام دانشجویان به اروپا، ایجاد مدارس جدید، مسافرت به خارج و حضور اروپاییان در شهرهای بزرگ، این طبقه شروع به بالیدن کرد. فارغ‌التحصیلان مدارس خارجی و دارالفنون و مدرسه علوم سیاسی مجموعاً هسته طبقه مدرنی از بوروکرات‌ها و افراد متخصص را در ایران شکل داد که نقش مهمی در به‌روز کردن نظام اداری دولتی و نیروهای ارتش ایفا کرد و نظریه‌پرداز انقلاب مشروطه شد (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۹۳، صص ۴۳-۶۴). سایر طبقات مانند زمین‌داران خرد، رعایا، دهقانان، مردمان ایلات و کارگران تهیدست و طبقه کارگر صنعتی، نفوذ و نقش چندانی در سیاست نداشتند و بیشتر، مورد استثمار و بهره‌کشی طبقات دیگر قرار می‌گرفتند.

تضاد در عرصه سیاسی

زمامداری ناصرالدین شاه در عصر قاجار نقطه عطف محسوب می‌شود. او که پنجاه سال بر مملکت ایران حکومت کرد استبداد مطلق را بر جامعه تحمیل کرد؛ هر چند، اقتدارش در اواخر سلطنتش خدشه‌دار شد. از ویژگی‌های حکومت در این دوره که تاحدی میراث استبداد سنتی ایرانی بود می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. رواج پیشکشی در پیش‌برد امور مملکتی و تصاحب مقامات؛ ۲. ناامنی اقتصادی ناشی از مصادره اموال تجار یا درباریون؛ ۳. سنت فروش حکومت ایالات؛ ۴. فروش القاب و

مناصب؛ ۵. رقابت و کشمکش‌های شاهزادگان برای کسب مقام و قدرت بیشتر؛ ۶. رواج چاپلوسی شاعران و نویسندگان در خدمت دربار؛ ۷. برگزاری جشن‌های پرهزینه درباری؛ ۸. ستمگری والیان در شهرهای مختلف؛ ۹. سفرهای شاهان قاجار به اروپا با استقراض از بیگانگان؛ ۱۰. نفوذ زنان حرم در امورات مملکتی (حکیمی، ۱۳۸۸، صص. ۱۹۵-۲۳۴). البته این خصلت‌های استبداد ناصری معرف سنت‌های سیاسی چند هزارساله در ایران بود که نوع خاصی از سلطانیسم را پدید می‌آورد. در این جامعه، دولت همواره استبدادی بوده که در آن، نظام مبتنی بر انحصار دولتی حق مالکیت، اقتدار دیوانی و نظامی شدید پدید می‌آمد (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص. ۶). همچنین دولت، مستقل از طبقات اجتماعی بود. این استقلال سبب می‌شد که قدرت دولت، به چارچوب قانونی مستقلی منوط و مشروط نباشد. این دو واقعیت، یعنی استقلال دولت از طبقات اجتماعی و مشروط نبودن قدرت دولت به یک چارچوب قانونی مستقل، زمینه و روند تضاد دولت و ملت را پدید می‌آورد.

افزایش استبداد داخلی، فساد و ناکارآمدی حکومت و دربار قاجار و ضعف ساختار و نهادهای سستی به همراه افزایش رقابت استعماری و نفوذ کشورهای امپریالیستی غرب در ایران و واگذاری امتیازات فراوان به این قدرت‌ها نارضایتی عمومی مردم را تشدید کرد. شکل‌گیری انجمن‌های مخفی، تأسیس و گسترش مدارس جدید و چاپ مطبوعات در داخل و خارج از ایران از عوامل تسریع‌کننده بیداری گروه‌هایی از مردم در جهت توجه به لزوم اصلاحات بودند (آجودانی، ۱۳۸۵، ص. ۳۱). در سال‌های پایانی سلطنت ناصرالدین‌شاه قیام‌های مردم ایران در سراسر کشور موج قدرتمندی گرفت و مبین فصل جدیدی از تضاد دولت و ملت در ایران گردید (حکیمی، ۱۳۸۸، ص. ۳۵۹). نخستین اعتراض بازاریان ضد دولت در نیمه دهه ۱۲۹۰ ق رخ داد. شورش

تحلیل ساخت سیاسی دولت در ایران؛ مقایسه دوره‌های صفویه، قاجار ————— جلیل دارا و همکار

تنباکو جنبش اعتراضی موفقیت‌آمیزی بود که با اتحاد بازار - علما شکل گرفت. پس از مدتی انقلاب مشروطیت به دست ائتلافی مرکب از علمای کم‌تر محافظه‌کار، بازاریان و روشنفکران نوظهور غرب‌گرا به راه افتاد (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۹۳، صص. ۱۲۷-۱۳۰). به‌طور کلی انقلاب مشروطه دو هدف عمده داشت: ۱. برچیدن بساط حکومت استبدادی و جانشین کردن حکومت مشروطه براساس حاکمیت قانون؛ ۲. نوسازی دستگاه اداری به‌ویژه در امور مالی و مسائل مربوط به نظم، قانون و عدالت، به‌کارگیری آموزش و پرورش جدید و ایجاد تسهیلات نوین حمل‌ونقل (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص. ۹۲). از دیگر نتایج سرنوشت‌ساز این دوره نضج و رشد طبقه متوسط و کارگر صنعتی بود که اولی در انقلاب مشروطه نقش بسزایی ایفا کرد. طبقات سستی مانند بازار و علمای دینی نیز به زورآزمایی با قدرت مطلقه حکومت پرداختند و می‌توان گفت که دوران قاجار اولین عرصه رویارویی طبقات تحت سلطه با حاکمان و قدرتمندان است.

یافته‌های پژوهش؛ تحلیل ساخت سیاسی دولت‌های صفویه، قاجار

نظام سیاسی پاتریمونیالیسم قابلیت انطباق با دوره‌های فرمانروایی سلسله‌های صفویه و پس از آن افشاریان و به‌خصوص قاجار را دارد. نظریه‌پردازانی مانند هوشنگ شهابی، خوان لینز و آیزنشتات الگوی ماکس وبر را بدین منظور به‌کار برده و آن را درمورد دولت‌های سستی ایران بسط داده‌اند. بر این اساس فرمانروایان صفوی شکل قدیمی‌دولت ایرانی یا پادشاهی را به‌کار گرفتند و خود را شاه نامیدند. در دولت صفویه، امپراتور توانست به تمرکز اداری و اقتدار عالی‌ه فراتر از فرمانروایان محلی دست یابد و حتی دستگاه نظامی را به‌صورت ارتش یکپارچه درآورد (افضلی، ۱۳۸۶، ص. ۱۱۳). درواقع الگوی حکومتی صفویان با نظریه نظام سیاسی سلطانی همخوانی دارد. نظام سلطانی در گونه‌شناسی سیاسی وبری یکی از انواع نظام‌های پاتریمونیال است. (شهابی

و لینز، ۱۳۸۰، ص. ۸). سلسله قاجار نیز این الگوی متمرکز دولت را با دشواری استمرار بخشید. در دوره قاجار بر اثر شکست‌های نظامی، دورانی از سلطه سیاسی و اقتصادی انگلستان و روسیه در ایران آغاز شد که مشخصه بارز حکومت در آن دوران بود. موقعیت ناصرالدین شاه و تلاش‌های ناامیدانه وی برای واگذاری امتیازات متعدد بازرگانی و ایجاد موازنه در برابر این دو قدرت خارجی نمودی از جایگاه رو به افول ایران در برابر استعمارگران بود. از طرفی نیروهای اجتماعی در این دوران تحول بی‌سابقه‌ای یافتند. موقعیت تجار متوسط و نیروهای مذهبی تضعیف شد و تجار و سرمایه‌داران بزرگ ارتقا یافتند. اما با فرا رسیدن عصر استعمار و نفوذ نظام سرمایه‌داری، برخی از ویژگی دولت‌های غربی در نظام سیاسی ایران رسوخ کرد. تحت تأثیر تمدن غرب نیروهای جدیدی مانند روشنفکران و تحصیلکردگان وارد جامعه شدند که در دوران پهلوی نقش‌های مهم اداری و نوسازی کشور را برعهده گرفتند. لذا با پیروزی انقلاب مشروطه و پذیرش ارزش‌ها و نهادهای سیاسی غرب و روی کار آمدن رضاخان این روند تکمیل شد و نوعی از دولت مطلقه ایرانی با ظاهری بوروکراتیک به وجود آمد. نکته مهم در جدول ۱ که به مقایسه این دو سلسله پرداخته این است که برخی از مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده دولت‌ها علی‌رغم تغییر سلسله‌ها ثابت بوده است، مانند پایگاه قبایلی دولت در صفویه و قاجار. برخی دیگر از مؤلفه‌ها نیز با مدرنیسم و تحولات جهانی جدید تغییر کرده‌اند، مثل ظهور روشنفکران در عرصه سیاسی - اجتماعی. همچنین برخی از شاخص‌ها در دوره‌های مختلف شباهت نسبی با یکدیگر دارند، مانند نقش علمای دینی در طبقات حاکمه صفوی و قاجاری.

تحلیل ساخت سیاسی دولت در ایران؛ مقایسه دوره‌های صفویه، قاجار ————— جلیل دارا و همکار

جدول ۱: ترسیم از نویسندگان

دولت	ساخت سیاسی	نهادهای حاکمیت	طبقات حاکم	نیروهای اجتماعی	منابع اقتصادی دولت
صفویه	پاتریمونیالیسم	- دیوان‌سالاری - مرکزی و ایالتی - ارتش	- دربار - قزلباش‌ها و سران قبایل هم‌پیمان - روحانیون شیعه	- ایلات و عشایر - دهقانان و اصناف شهری	- مالیات بر زمین‌های کشاورزی - انحصار تجارت داخلی
قاجاریه	پاتریمونیالیسم در حال گذار	- دیوان‌سالاری - حرمسرا - ارتش قبایلی	- شاهزادگان - رؤسای ایلات - اشراف - مقامات نظامی - تجار بزرگ	طبقات متوسط شهری - ایلات - روستاییان	- فروش املاک دولتی - اعطای امتيازات به بیگانگان

نتیجه

دولت در ایران از زمان صفویان تا قاجار تحت سیطره مناسبات ایلی و قدرت خان‌های قبیله‌ای قرار داشت. البته اقتدار شاه عباس یا نادرشاه به‌طور موقت تأثیر سیاست‌های فرقه‌گرایانه قبایل را خنثی می‌کرد، اما درمجموع سلاطین دودمان‌های صفوی و قاجار ملاحظات قبایلی را درنظر می‌گرفتند. مذهب شیعه از زمان شاه اسماعیل اول مهم‌ترین مؤلفه فرهنگی موجد قدرت بود و طبقات مذهبی مانند علمای طراز اول و روحانیون همواره جزئی از طبقات حاکمه یا زمین‌دار به‌شمار می‌رفتند. حتی علمای مذهبی و طبقات بازاری نقش مهمی در انقلاب مشروطه دوران قاجار ایفا کردند؛ اگرچه مداخله مذهب در سیاست با ظهور رضاشاه به محاق رفت.

مطابق جهت‌گیری تحقیق، مباحث نظری ما برگرفته از نظریه پاتریمونیالیسم وبر بود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد دولت صفویه مصداق کاملی از دولت سلطانی (نوعی از پاتریمونیالیسم) در ایران بود که سلطه سستی را با اقتداری تام بر جامعه اعمال می‌کرد. سلسله قاجار این الگوی سلطانی را با دشواری استمرار بخشید، اما با فرارسیدن عصر استعمار و نفوذ نظام سرمایه‌داری، برخی از ویژگی دولت‌های غربی در نظام سیاسی ایران رسوخ کرد. به عبارت دیگر ساخت سیاسی دولت قاجار پاتریمونیالیسم در حال گذار بود.

از طرفی در اواخر قاجار از طریق ارتباط ایران با غرب و با پیروزی انقلاب مشروطه و پذیرش ارزش‌ها و نهادهای سیاسی غرب و سرانجام روی کار آمدن رضاخان این روند تکمیل شد و نوعی از دولت مطلقه ایرانی با ظاهری بوروکراتیک به وجود آمد. درواقع در دوران قاجار شاهد چرخش از ساخت قبیله‌ای قدرت به سمت ورود به یک تحول بوروکراتیک در ساخت سیاسی قدرت هستیم و این ناشی از تحولی بود که در پایگاه اجتماعی قدرت در دوره قاجاریه ایجاد شده بود.

پی‌نوشت‌ها

۱. state

۲. government

۳. political structure

۴. patrimonial

۵. absolute state

۶. Jean Bodin

تحلیل ساخت سیاسی دولت در ایران؛ مقایسه دوره‌های صفویه، قاجار ————— جلیل دارا و همکار

منابع

- آجودانی، ل. (۱۳۸۵). *روشنفکران ایران در عصر مشروطیت*. تهران: اختران.
- آزادی، ح.، و ابراهیمی‌پور، ق. (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی روش‌شناسی فقها در مواجهه با مسئله گسست دولت و ملت در ایران، در دوره‌های صفویه، قاجار و معاصر. معرفت فرهنگی و اجتماعی، ۲، ۳۹-۵۵.
- آشوری، د. (۱۳۸۶). *تعریف‌ها و مفهومی فرهنگ*. تهران: آگه.
- آقابخشی، ع.، و افشاری راد، م. (۱۳۸۳). *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: چاپار.
- آژند، ی. (۱۳۸۰). *تاریخ ایران (دوره صفویان)*، پژوهش از دانشگاه کمبریج. تهران: جامی.
- ابوالحسنی، ع. (۱۳۷۴). *سلطنت علم و دولت فقر*. قم: انتشارات اسلامی.
- احمدزاده، م.ا. (۱۳۹۶). مراحل تحول سه‌گانه دولت در ایران دوران ناصرالدین شاه قاجار. *تاریخ اسلام و ایران*، ۳۵، ۹-۳۴.
- اشرف، ا.، و بنوعیزی، ع. (۱۳۹۳). *طبقات اجتماعی؛ دولت و انقلاب در ایران*. ترجمه س. ترابی فارسانی. تهران: نیلوفر.
- افضلی، ر. (۱۳۸۶). *دولت مدرن در ایران*. قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- بشیریه، ح. (۱۳۹۴). *موانع توسعه سیاسی در ایران*. تهران: گام نو.
- حاجی یوسفی، ا.م.، و محمدیان، م. (۱۳۹۷). منابع قدرت اجتماعی، ساختار دولت و روابط خارجی قاجار. *دانش سیاسی*، ۱، ۹۱-۱۱۶.
- جاسمی، م.، و جاسمی، ب. (۱۳۵۸). *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: گوتنبرگ.
- حکیمی، م. (۱۳۸۸). *تاریخ معاصر ایران در دوره قاجار (سیاسی - فرهنگی)*. تهران: نامک.
- ساعی، ع. (۱۳۹۵). *روش تحقیق در علوم اجتماعی با رهیافت عقلانیت انتقادی*. تهران: سمت.
- سالاری شادی، ع. (۱۳۹۳). نقد و بررسی نظریه‌های موجود درباره تشکیل حاکمیت صفوی. *تاریخ‌نامه ایران بعد اسلام*، ۹، ۷۱-۱۰۶.
- سیوری، ر. (۱۳۹۳). *ایران عصر صفوی*. ترجمه ک. عزیزی. تهران: نشر مرکز.

- شعبانی، ر. (۱۳۸۷). *مختصر تاریخ ایران در دوره افشاریه و زندیه*. تهران: سخن.
- شهابی، ه. و لینز، خ. (۱۳۸۰). *نظام‌های سلطانی*. ترجمه م. صبور. تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- طباطبایی، س.ج. (۱۳۸۰). *دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط در ایران*. تهران: نگاه معاصر.
- عیسوی، چ. (۱۳۸۸). *تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار، ۱۳۳۲-۱۲۱۵ ق)*. ترجمه ی. آژند. تهران: گستره.
- فوران، ج. (۱۳۷۷). *مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی*. ترجمه ا. تدین. تهران: انتشارات مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- کاتوزیان، م.ع.ه. (۱۳۸۴). *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*. تهران: نشر مرکز.
- کاتوزیان، م.ع.ه. (۱۳۹۲). *دولت و جامعه در ایران؛ انقراض قاجار و استقرار پهلوی*. تهران: نشر مرکز.
- کشاوری، س.، چلونگو، م.ع.، و منتظر قائم، ا. (۱۳۹۶). *تبیین و تحلیل نقش طبقات اجتماعی در فرایند تمدنی دولت صفوی. تاریخ اسلام و ایران، ۳۴، ۱۳۹-۱۶۷*.
- کمالی، م. (۱۳۸۱). *جامعه مدنی، دولت و نوسازی در ایران معاصر*. ترجمه ک. پولادی. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- گودرزی، ح. (۱۳۸۷). *کارکرد هویت‌بخش مذهب شیعه در دوره صفویه. مطالعات ملی، ۴، ۷۲-۴۵*.
- لمبتون، آ. (۱۳۷۲). *تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران*. ترجمه ی. آژند. تهران: نشر نی.
- متولی حقیقی، ی. (۱۳۷۸). *کنکاشی پیرامون جایگاه تشیع و تصوف در ساختار سیاسی دولت صفویه. پژوهشنامه تاریخ، ۱۱، ۱۶۹-۱۸۸*.
- موثقی، س.ا. (۱۳۸۵). *دین، جامعه و دولت در ایران*. تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- ناجی، م.ی. (۱۳۸۷). *رساله در پادشاهی صفوی. به کوشش ر. جعفریان و ف. کوشکی*. تهران: انتشارات مجلس شورای اسلامی.
- نقیب‌زاده، ا. (۱۳۸۷). *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی*. تهران: سمت.

تحلیل ساخت سیاسی دولت در ایران؛ مقایسه دوره‌های صفویه، قاجار ————— جلیل دارا و همکار
نوروزی، ج.، و رمضانی، ش. (۱۳۹۴). علل تعاملات سلاطین صفوی با علمای شیعه و نتایج
آن. *پژوهشنامه تاریخ اسلام*، ۱۹، ۲۴-۵.
وهوسه، ب. (۱۳۹۴). *سفرنامه جنوب ایران*. به کوشش م. غلامیه، و ی. بیگ‌باباپور. تهران:
منشور سمیر.

Weber, M. (1958). The three types of legitimate rule. Tr. H. Gerth. *Berkeley Publications in Society and Institutions*, 4 (1), 1-11.

Analysis of the Political Construction of the State in Iran Comparison of the Safavid and Qajar

Jalil Dara^{*،۱}, Hadi Tolouei^۲

Received: 23/06/2020 Accepted: 09/02/2021

Abstract

The Safavid state created a kind of government in Iran with elements such as a separate territory and a Shi'ite religion originated from the Sufi way and persisted over the centuries. From the Safavid period to Qajar, the Iranian state had attributes that were Expresses traditional political institutions and traditions. This procedure continued until the new era and the end of Qajar rule. The research hypothesis is that the Safavid government conformed to the model of the Soltani order. The Qajar dynasty also possessed the traditional and authoritarian character of the Safavid dynasty. Because it coincided with the era of Western military and economic domination of the world, the construction of a state in Iran was also influenced by its civilization, and political institutions evolved. In this regard, the present research deals with the characteristics of the political construction of the state in the triennial period. Also, the social and class characteristics that led to the formation of specific models of government in Iran are reviewed.

Keywords: state; patrimonialism; absolute government; Safavid; Qajar.

^۱ Assistant professor of Political Science, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
(Corresponding author) Email: j.dara@modares.ac.ir
<https://orcid.org/0000-0003-3751-9212>

^۲ Ph. D student in Political Science, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
<https://orcid.org/0000-0003-0311-8365>

جامعه‌شناسی تاریخی

دوره ۱۳، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

مقاله علمی پژوهشی

<http://dor.net/dor/20.1001.1.23221941.1400.13.2.1.2>

جامعه‌شناسی تاریخی

دوره ۱۳، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

13.2.1.2.